

سفرنامه‌ی قیصریه

(۱۳۸۹ مرداد ۱۲-۳)

شهر به عدد سه می‌رسد، چرا که قیصریه دانشگاهی خصوصی به نام «دانشگاه ملکشاه» دارد که اتفاقاً

دانشگاه بسیار زیبایی هم است. شام آخر کنفرانس برای شرکت در «تختین کنگره بین المللی سلجوقی» در شهر قیصریه ترکیه، روز سوم مهر عازم این کشور شدم، ترکها چهل سال پیش هم کنگره‌ای بین المللی درباره سلجوقيان برگزار کردند که با احتساب آن، کنگره قیصریه عملأ دو میلن کنگره بین المللی ترکها درباره سلجوقيان به شمار می‌رود برعکس از استادان ترک در لاهه‌ای سخنرانی هایشان، به فاصله طولانی بین این دو کنگره اشاره و اظهار تأسف کردند. از قرار معلوم در ترکیه مؤسسه سلجوقي شناسی وجود ندارد. در آن کنگره چنین قراری گذاشته می‌شود، به علاوه انتشار نشریه‌ای ویژه تاریخ سلجوقيان؛ اما بعدها به باد فراموشی سپرده می‌شود.

این بار ترکها به همت دانشگاه ارجیس Erciyes قیصریه در صدد برآمده بودند تا دو میلن کنفرانس بین المللی سلجوقيان را در کشورشان برگزار کنند. اگرچه اسم کنفرانس «تختین کنفرانس بین المللی سلجوقيان» بود، اما براساس توضیحی که گفته‌ام، عملأ دو میلن بود. به هر حال این کنگره ۲۶ تا ۳۰ سپتامبر در قیصریه با مشارکت سیصد استاد و پژوهشگر از ۲۸ کشور دنیا به طرز مطابقی برگزار شد. از ایران ۱۲ نفر از استادان و محققان مقلاه داده بودند که چهار نفر از آن‌ها نیمده بودند، اما هشت نفر مقلاه‌اشان را راهه دادند.

شهر قیصریه با جمعیتی در حدود یک میلیون نفر در دامنه کوه ارجیس قرار دارد که در حال حاضر یکی از شهرهای صنعتی مهم ترکیه به شمار می‌رود. به سبب دور بودن این شهر از دریا، غالب مردم به تجارت روی آورده‌اند و پیشرفت قابل ملاحظه‌ای هم در این زمینه داشته‌اند، تا آنجا که شرکت‌های اقتصادی بزرگ ترکیه مانند بللونا متعلق به این شهر است. البته موقوفیت مردم قیصریه صرفاً از حیث اقتصادی نیست و از لحاظ سیاسی هم توانسته‌اند شخص اول کشورشان را از شهر خودشان داشته باشند. عبدالله گل، رئیس جمهور ترکیه، از شهر قیصریه است و اتفاقاً قرار است به زودی دو میلن دانشگاه دولتی در قیصریه به نام «دانشگاه عبدالله گل» افتتاح شود. با این حساب تعداد دانشگاه‌های

سیزدهمین دوره جايزه‌ی کتاب فصل

• معصومه قزلباش

در سیزدهمین دوره‌ی جایزه‌ی کتاب فصل بهار (۸۹) در گروه تاریخ جماعت ۲۲۴ عنوان کتاب در مرحله‌ی اول داوری شد که ۷ عنوان به مرحله‌ی دوم راهیافت از میان آثار راهیافت، به مرحله‌ی دوم در مجموع ۶ عنوان ترجمه و ۱ عنوان تألیف بوده است که در مرحله‌ی دوم داوری هر اثر توسط دو داور مورد ارزیابی قرار گرفت، در نهایت کتاب فاس شهر اسلام، تالیف: تیتوی بورکهات، ترجمه: مهرداد وحدتی داشتمد به عنوان کتاب برگزیده شناخته شد.

تیتوس بورکهارت (۱۹۰۸-۱۹۸۴) در طول سال‌های هفتاد میلادی در مقام کارشناسی یونسکو و مشاور دولت مراکش در سازماندهی نلاش جهانی برای حفاظت شهر «فاس» به عنوان پایتخت فکری پادشاهی مراکش برگزیده شد و اقدامات خود را مصروف دو جنبه‌ی بسیار مهم کرد، یکی از فعالیت‌های آموخته در مقام نویسنده و سخنور و دیگری در مقام پژوهشگر و کارشناس، تصویری از این شهر، تصویری یک «شهر انسانی» است، یعنی شهری که یارای پاسخ‌گویی به همه‌ی نیازهای جسمانی، عاطفی و روحی را دارد. بورکهات در این کتاب الگوی شهر اصیلی را شرح می‌دهد که خاص شهر اسلامی اصیل است. کتاب حاضر منبعی است برای کسانی که در میان فشارهای پرهج و مرح و تمایلات توسعه‌ی مدنی حفاظت از خصوصیات غیرقابل جایگزین از آن نوع زندگی است که در محیط شهر سنتی می‌بالد، کتاب در هشت فصل با این عنوانین شکل گرفته است: فاس و بادیه؛ خلافت؛ شهری که یکی از اولیای بی‌افکنده؛ خانه؛ علم سنتی؛ سلسله‌ی زرین؛ هجوم دنیای مجلد و تیتوس بورکهارت در فاس؛ پانوشت‌ها؛ منابع، طراحی‌های بورکهات و نمایه‌ی مندرجات کتاب هستند.

کرده است و در همان جلسه پس از سخنرانی اش و گفت‌وگویی که با هم داشتیم، یک نسخه از آن را به من اهداء کرد. ایشان می‌گفت در جلدی‌ای سوم و چهارم این یادداشت‌ها که زیر چاپ است «خلیل اینانج بحث‌های مبسوطی درباره مناسبات سیاسی و فرهنگی ایران و آسیای صغیر در دوره سلاجقه و حتی پس از آن دارد به وی گفتم که بی‌صبرانه مشتاق انتشار این یادداشت‌ها به‌وزیر جلدی‌ای سوم و چهارم هستم. یا دکتر توفان گوندوز که تحقیق عالمانه‌ای درباره طایفه قینیگ‌ها انجام داده بود تا آنجا که من می‌دانم از این طایفه در ایران در مناطق ترکمن صحرا و کرمان وجود دارند. توفان خیلی تمايل داشت که اطلاعاتی اماراتی از این طایفه در ایران به دست بیاورد. حداقل من نمی‌دانستم که آیا در ایران در این باره کسی تحقیق انجام داده است یا خیر؟

بساری، اگر بخواهم از بیانی کلی از مقالاتی که ارائه شد و بنده بخشی از آن‌ها را مستمع بودم، داشته باشم، می‌توانم چند نکته را یادآور بشوم:

۱- فضای غالب بر کنفرانس - متأثر از فضای علمی که اینک بر دانشگاه‌های ترکیه در رشته تاریخ حاکم است - تأکید بر تاریخ نقلی و توصیفی و سندمحور بود. بیش از نود درصد مقالات [به استادان سخنرانی‌هایی که گوش کردم و چکیده‌هایی که خواندم] گزارش نقلی و توصیفمحور از تاریخ [بیشتر] سیاسی و [کمتر] فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سلجوقیان بود. کمتر مقاله‌ای دیدم که رویکرد تئوریک و تحلیلی داشته باشد.

۲- در برخی از مقالاتی که از سوی استادان و محققان ترک ارائه شد، گرایش‌های ناسیونالیستی خیلی برجسته بود که در مواردی باعث بحث و گفت‌وگو می‌شان شرکت‌کنندگان فارس و عرب با ترک‌ها گردید. البته نفس درگرفتن چنین گفت‌وگوهای چالشی بدبود، اما اصرار متعصبانه و غیرعلمی به درستی مدعاهای برخی از طرفین گفت‌وگو، قبل تحمل نبود بهره‌حال به قول جنکینس علم تاریخ داشتی ماهیتاً ایدئولوژیک است و کارش نمی‌شود کرد. البته ناگفته نماند که در این کنفرانس، رویکرد ناسیونالیستی ترک‌ها نسبت به کنفرانس‌های قبلی که در آن‌ها حضور داشت، خیلی کمزنگ شده بود و جای آن را تأکید بر میراث مشترک اسلامی، گرفته بود این موضوع در سخنرانی رئیس دانشگاه ارجیس بود این مقالات ارائه شده از سوی استادان رشته الهیات و نیز مقالات ارائه شده از سوی ایشان رشته الهیات نبود بیشتری داشت. به نظر می‌رسد این موضوع

نه کم‌سودای ایشان، بل ناشی از همان گرایش‌های افراطی ناسیونالیستی اش بود. مانند اینکه فردوسی شاهنامه را بحمایت کامل غزنویان نوشت و به اتمام رساند و یا اینکه نام نظامیه‌ها نه از اسم خواجه نظام‌الملک بلکه ناشی از نظم نوین بود که در این مدارس برقرار گردیده بود

پس از میزگرد یادشده، مقالات در شش تالار کوچک آغاز شد که نام تالارها هم کاملاً زنگ و بوی سلجوچی داشت: تالارهای نظام‌الملک، آلب ارسلان، سنجر، طغرل بیک، ملکشاه و چغیز بیک در این کنفرانس پس از ترک‌ها، حضور عرب‌ها چشمگیر بود ولی من معمولاً مقاله خوب از این عرب‌ها کم دیده‌ام، مثل کتاب‌هایی که درباره تاریخ ترک‌ها نوشته‌اند که اغلب از کیفیت خوبی برخوردار نیستند اما همان گونه که گفتم حضور استادان برجسته ترک در این کنفرانس قابل توجه بود؛ استادان بنامی همچون کاظم یاشار کوپرمان، اسین کاهیا، مصطفی اوزترک، تونجر باکایارا، رفت اینانچ، متین هولاکو و... از استادان شناخته شده ترک که در این کنفرانس شرکت نکرده اردون مرچیل بود که انگار به خاطر خستگی ناشی از حضور در کنفرانسی دیگر در آنکارا، توانسته بود خود را به قیصریه برساند. فکر می‌کنم از سیصد نفری که مقاله به دیرخانه علمی کنفرانس ارسال کرده بودند، حدود صد و پنجاه نفر به ارائه مقالات خود پرداختند. سعی کردم طی سه روزی که مقالات ارائه می‌شد، پراسانس موضوعات و نیز اشتهر سخنرانان، تا حد امکان از سخنرانی‌ها بهره مند بشویم. می‌توان گفت هم مقالات خلی خوب و عالمانه در این کنفرانس ارائه شد و هم مقالات ضعیف و حتی می‌توان گفت بسیار ضعیف. یادم نمی‌رود که یکی از استادان ترک، سی و پنج دقیقه [یعنی پانزده دقیقه بیش از وقت قانونی خودش] به تشریح چگونگی مسموم شدن علام‌الدین گیقاد پرداخت. می‌توانم بگویم نقطه به نقطه تاریخ این بی‌بی را البته به زبان ترکی برای حضار بازگو کرد مقالات این چنینی عمل‌افیده‌ای نداشت. اما برخی از محققان برجسته مانند رفت اینانج و کاظم یاشار کوپرمان و یا استادان جوانی مانند توفان گوندوز، سخنرانی‌های عالمانه‌ای را برادر کردند که به نظرم مفید بود رفت اینانج مقاله‌اش را درباره یادداشت‌های منتشرشده استاد فقید خلیل اینانج ارائه داد و درباره ارزش علمی این یادداشت‌ها [که انتشار آن‌ها را آغاز کرده است] سخن گفت.

جلد اول این یادداشت‌ها را فرمود اینانج منتشر

قیصریه یکی از شهرهای زیبای ترکیه به حساب می‌آید. خیابان‌های پهن، درختکاری گسترشده و نیز ساخت آپارتمان‌های بزرگ و زیبا، در نتیجه اول توجه هر مسافری را به خود جلب می‌کند عجیب بود که در این شهر بهندرخت خانه ویلایی دیده می‌شد و عموماً آپارتمان بود که به چشم می‌خورد.

مراسم افتتاحیه کنفرانس ساعت ۹ صبح روز دوشنبه در تالار اجتماعات دانشکده پژوهشی دانشگاه ارجیس با سخنرانی پروفسور یووالی، مدیر گروه تاریخ دانشگاه ارجیس، آغاز شد یووالی در سخنان کوتاهی، ضمن خوشامدگویی به شرکت کنندگان در همایش، از همه اشخاص حقیقی و حقوقی که در برگزاری این همایش او را برای نموده‌اند، تشکر کرد؛ به ویژه از عبدالله گل. پس از آن، ریاست دانشگاه ارجیس به سخنرانی پرداخت که مهم‌ترین بخش آن جمله‌ای بود که گفت: «باید سلجوچیان را از حیث اخلاقی و باید بندی به زیست انسانی به دنیا معرفی کنیم و تاریخ آن را بهانه‌ای قرار بدهیم برای نزدیکی هرچه بیشتر مردم منطقه به یکدیگر». سخنران بعدی مراسم افتتاحیه، شهردار قیصریه بود که خبر راماندزی قریب الوقوع موزه سلجوچیان در قیصریه را به حضار اعلام کرد.

پس از سخنرانی مقامات، مراسم با میزگردی ادامه یافت که در نوع خود جالب بود. رئیس میزگرد پروفسور و شاد گنج بود و دیگر اعضاء آن عبارت بودند از: رایزن فرهنگی ایران، رایزن فرهنگی عراق، رایزن فرهنگی ازبکستان و پروفسور مصطفی کافالی. سخنرانی رایزن‌ها بیشتر تقدیر و تشکر از برگزاری کنفرانس و تأکید بر نتایج مثبت آن در نزدیکی هرچه بیشتر ملت‌های منطقه بود. برخی از آن‌ها در لابلای صحبت شان به ناگزیر باید اشاره‌ای به تاریخ سلجوچیان می‌کردند. اینجا بود که مشخص می‌شد چقدر این حضرات فرهنگی دور از مطالعات تاریخی هستند. فکر نمی‌کنم توقع نابهجه‌ای باشد که رایزن فرهنگی، شخصیتی علمی هم باشد. یکی از رایزنان، حافظ را به عنوان یکی از شاعران برجسته‌ای دوره سلجوچی معرفی کرد و دیگری از ورود پنجه هزار ایوسفیان سخن گفت!!! سخنران علمی این میزگرد، مصطفی کافالی استاد دانشگاه و شاگرد فاروق سومر فقید بود. به نظرم سخنرانی ایشان هم جالب نبود، به دولت: نخست اینکه: گرایش‌های ناسیونالیستی در سخنرانی اش کمی غلیظ بود و دیگر اینکه خطابهای عاری از خطاهای تاریخی نبود که منشأ این خطاهای

بود. پس از آن به هتل برگشتیم تا صبح روز بعد هر کسی به شهر و کشور خود بزرگدد بليط برگشت من از آنکارا به تهران برای روز یكشنبه بود. بنابراین فرصت داشتم تا شهرهای دیگری از کشور ترکیه را که تاکنون ندیده بودم، ببینم. براین اساس برای جمیع ساعت ۷ صبح بليط اتوبوس به مقصد آذانا در جنوب ترکیه گرفتم. پس از پنج ساعت به آذانا رسیدم. شهری بزرگ با جمعیت بیش از یک میلیون نفر که خیلی بیشتر از شهر قصیره چهره صنعتی دارد. از همان ابتدای ورود به این شهر دو نکته جلب توجه می‌کند: ۱- کارخانه‌های بزرگ صنعتی- ۲- آپارتمان‌های بزرگ و شیک. البته آذانا دو قسمت قدیم و جدید دارد که این آپارتمان‌های جدید التأسیس در قسمت بینی آذاناست. در این سفر این آپارتمان‌ها خیلی توجه من را به خود جلب کرد. حتی در شهرهای کوچک هم مانند مرسین، طرسوس، اردمی، قیز کالاسی، سوسان اوغلو، سیلیفکه... وضعیت به همین شکل بود و بهندرت خانه ویلایی دیده می‌شد. از افراد محل پرسیدم. هم در قصیره و هم در شهرهای کوچک جوانی که گرفتم این بود که شرکت‌های بزرگ اتوبوساز، این آپارتمان‌ها را می‌سازند و با شرایط مطلوبی به مردم می‌فروشنند. از قرار معلوم این شرایط مطلوب، واقعاً مطلوب است. معلوم شد در این زمینه سیاستی ملی برای خانه‌دار کردن بیشتر مردم در شهرهای کوچک و بزرگ اجرا می‌شود.

پس از گذشتن از شهرهای کرانه دریای مدیترانه، به شهر بزرگ و تاریخی قرامان رسیدم که زمانی محل حکومت یکی از امپراتوری‌های بزرگ آسیای صغیر در عهد پیشاعثمانی و عثمانی متقدم بود. یک روز کامل سفر با مینی اتوبوس‌هایی که قدم به قدم برای سوار و پیاده شدن مسافران بین راهی می‌ایستادند، خیلی خسته‌شده بود. شب که به قرامان رسیدم بودم، بليط مستقیم به آنکارا گرفتم. اینقدر خسته بودم که برای شام هم بیدار نشدم و حدود پنج صبح بود که با روش شدیدن هوا به آنکارا رسیدم. مستقیم به هتلی در نزدیکی مرکز شهر یعنی قیزل آی گرفتم. پس از استراحت تأثیرموده، انجام یکی از مشکل‌ترین وظایف ام در این سفرها را آغاز کردم - خرید سوغات برای اهل منزل. بالاخره یک روز کامل به این مسئله گذشت و روز بعد کاری جز جمع و جور کردن وسایل و حرکت به سمت فرودگاه نداشتیم.

حسن حضرتی
آنکارا، شنبه ۱۱ مهر ۱۳۸۹

قرن چهارم میلادی، مسیحیت را به عنوان دین رسمی امپراتوری اعلام کند، مسیحیانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند، به اینجا پناه می‌برندند. به عبارت دیگر، این منطقه پناهگاه مسیحیانی بود که به سبب مسیحی بودن تحت پیگرد و آزار و اذیت رومیان قرار می‌گرفتند. این مسیحیان در اینجا به زندگی مخفیانه روی می‌آورند. در زیرزمین اقامتگاه‌هایی برای خود می‌ساختند که به صورت کانال‌های قنات ماخواری شده و در داخل آن اتفاق نشینم، کلیسا، اتاق سرابخواری، کانال‌های تنفس و انتقال اکسیژن به داخل... تعییه کرده بودند. هنری که در این کانال‌های زیرزمینی به کار رفته بود، مرأ به یاد هنر باشکوه خفر قنات در کشورمان انداخت که در قرن‌آفرون تاریخ به عنوان یکی از شاهکارهای ایرانیان به شمار می‌رود.

اما شاهکار طبیعت در این منطقه این است که کاپادوکیه در معرض سیل‌های بنیان‌براندازی قرار داشته که هرازچندگاه بافت طبیعی آن را به هم می‌ریخت. سیل، تپه‌ها و کوههای را که نه از سنگ بل از جنس ماده‌ای شبیه آهک سفید تشکیل می‌دان به هم ریخته و به صورت طبیعی تصاویر زیبایی را خلق می‌کرد که قابل توصیف نیست و فقط باید دید. این مسیحیان از این اشکالی که در بالای تپه‌ها و کوهها و یا ستوون‌های بلند سنتگی به وجود آمده که شبیه آناتک‌هایی است استفاده می‌کردند. مسیحیان در درون آن‌ها کلیساها را کوچک را تعییه کرده بودند که تصاویر مقدس داخل آن‌ها الآن هم قابل مشاهده است. به صورت طبیعی در این اتفاق‌ها پنجه‌هایی هم درآمده است که به همین جهت ترک‌ها نام پنجه‌های پریان Peri Baceleri بدان‌ها داده‌اند. واقعاً مشاهده این منطقه بسیار هیجان‌انگیز بود. بهویژه این که چقدر انسان به عقیده اهمیت می‌دهد و حاضر است به خاطر آن چه مصالبه را تحمل کند راهنمای تور می‌گفت که در منابع آمده است مسیحیان که هشت اقامتگاه زیرزمینی در این منطقه تعییه کرده بودند، در هر کدام بین پنج تا هشت زار نفر را جامی دادند و در آن، ماهها زندگی می‌گردند؛ که اینها در آن‌ها زندگی می‌نشده بود. این که چگونه این‌ها در این زندان‌های خودساخته، ماهها خود را محبوس می‌کردند، تا از دست مأموران رومی در امان باشند، فهم آن را برای انسان امروزی سخت می‌کند.

صرف چای در دانشگاه نوشهر، پس از بازدید از منطقه کاپادوکیه، پایان‌بخش برنامه‌های کنفرانس دوران امپراتوری روم، پیش از آن که کستانتن در

از تأثیرات حضور حزب آک پارتی به وهبی رجب طیب اردوغان در رأس قفترت سیاسی ترکیه است.

۳- از نقاط ضعف کنفرانس، ترجمه هم‌مان مقالات بود. با توجه به این که کمیته علمی همایش اقدام به پذیرش مقاله به زبان‌های ترکی استانبولی، فارسی، انگلیسی، روسی و عربی کرده بود، ترجمه هم‌مان می‌توان گفت گردن‌اندگان همایش نتوانسته بودند مترجمان خوبی را برای ترجمه هم‌مان مقالات، بهویژه مقالاتی که به زبان‌های روسی و فارسی ارائه می‌شد، آن هم در شش تالار به طور همزمان، به خدمت بگیرند. به همین سبب بود که من به رغم این که مقاله را به زبان فارسی آماده کرده بودم، به علت نبود مترجم خوب، ترجیح دادم به زبان ترکی استانبولی سخنرانی کنم.

۴- عدم معرفی سخنرانان توسط رئیس جلسه، از دیگر نقاط ضعف در این همایش بود. قطعاً اگر سخنرانان پیش از آغاز سخنرانی شان، توسط رئیس جلسه به حضار معرفی می‌شوند، برای آشنایی بیشتر استادان با یکدیگر می‌توانست خیلی مفید فایده باشند. به هر حال همایش پس از سه روز کار فشرده، شب چهارشنبه به اتمام رسید. من معمولاً حواسی این کنفرانس‌ها را بیشتر از متن آن‌ها دوست دارم، یعنی آشنایی استادان از کشورهای مختلف با یکدیگر و همین طور گشت و گذاری که برای مهمنان ترتیب داده می‌شود، به نظر از بخش‌های بسیار مفید این همایش هاست. از این حیث برای شخص من که با استادان تاریخ از کشورهای مختلف هند، آذربایجان، گرجستان، روسیه، مصر، عراق... آشنا شدم، بسیار سودمند بود. اما بخش بسیار هیجان‌انگیز این کنفرانس، بازدید از شهر باستانی کاپادوکیه بود که روز پنج شنبه کاملاً به این بازدید اختصاص یافته بود. کاپادوکیه و آرها متعلق به ایران باستان است، به معنای اسباب‌های زیبا که از قرار معلوم در مقطوعی که ایرانیان در این منطقه مسلط بودند، اسباب‌های زیبایی را در اینجا نگهداری می‌کردند و به همان علت نام کاپادوکیه به آن اطلاق شده است. سایه تاریخی این شهر که در نزدیک شهر نوشهر فعلی، در نزدیکی قیصریه به سمت آذانا قرار دارد، به ده هزار سال برمی‌گردد. منطقه کاپادوکیه نقطه تلاقی تاریخ و طبیعت است. در اینجا اعجاز تاریخ و طبیعت را یکجا می‌توان دید. توضیح این که در دوران امپراتوری روم، پیش از آن که کستانتن در